

بررسی مقایسه‌ای نقش خودکارآمدی مادرانه و فراهیجان مادر بر تنظیم هیجانی کودکان دارا و فاقد پدر در مقطع سنی ۸ - ۱۱ سال

زهرا شیخ عطار*، فریده سادات حسینی** و سید موسی گلستانه***

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مقایسه‌ای نقش خودکارآمدی مادرانه و فراهیجان مادر بر تنظیم هیجانی کودکان دارا و فاقد پدر در مقطع سنی ۸ - ۱۱ سال بود. نمونه کودکان دارای پدر به صورت تصادفی مرحله‌ای از دانش‌آموزان ناحیه ۳ شیراز و گروه دانش‌آموزان فاقد پدر به علت همسازی با گروه دارای پدر، از همان ناحیه و به صورت دسترس از بین دانش‌آموزان تحت پوشش یک مرکز خیریه انتخاب شدند. در نهایت ۲۰۰ نفر دانش‌آموز کلاس دوم تا پنجم و مادران آن‌ها در پژوهش شرکت کردند. مادران هر دو گروه ابزارهای پژوهش شامل چک‌لیست تنظیم هیجانی کودکان، مقیاس خودکارآمدی مادرانه و مقیاس فراهیجان والدین را تکمیل کردند. نتایج نشان داد که از بین ابعاد خودکارآمدی مادران، بعد خودمدیریتی پیش‌بین مثبت و معناداری برای تنظیم هیجانی کودکان دارای پدر بود. هیچ یک از ابعاد خودکارآمدی مادران، پیش‌بین معناداری برای تنظیم هیجانی کودکان فاقد پدر نبود. همچنین از بین ابعاد خودکارآمدی مادران، بعد خودمدیریتی پیش‌بین منفی و معناداری برای تغییرپذیری کودکان دارا و فاقد پدر بود. از بین ابعاد فراهیجان مادران، بعد عقاید مربوط به هدایت‌گری پیش‌بین مثبت و معناداری برای تنظیم هیجانی کودکان دارا و فاقد پدر بود. علاوه بر این از بین ابعاد فراهیجان مادران، بعد عقاید مربوط به هدایت‌گری پیش‌بین مثبت و معناداری برای تغییرپذیری کودکان دارای پدر بود. در مقابل، عقاید مربوط به هدایت‌گری پیش‌بین منفی و عقاید مربوط به پذیرش، پیش‌بین مثبت و معناداری برای تغییرپذیری کودکان فاقد پدر بودند. نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده اهمیت متغیرهای والدینی مادرانه همچون خودکارآمدی و فراهیجان در شکل‌گیری تنظیم هیجانی در کودکان است.

واژگان کلیدی

خودکارآمدی مادرانه؛ فراهیجان مادر؛ تنظیم هیجانی؛ کودکان فاقد پدر.

* دانشجوی کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، بوشهر، ایران.

** نویسنده مسؤل: استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، بوشهر، ایران

fsadathoseini@yahoo.com

*** استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، بوشهر، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۱۴

تاریخ ارسال: ۱۳۹۵/۸/۲۹

مقدمه و بیان مسأله

پدر و مادر دو رکن اساسی خانواده هستند که با به وجود آوردن محیطی امن و سالم، رشد روانی فرزندان خود را میسر می‌سازند. لذا فقدان حضور هر یک از والدین در محیط خانواده، تعادل آن را بر هم زده و آثار منفی بر رشد طبیعی فرزندان می‌گذارد (لامب^۱، ۲۰۰۴). شناخت نحوه تأثیر والدین بر کودکان و بررسی نقش هر یک از آنها در روند رشد روانی-اجتماعی و شخصیتی کودکان و نوجوانان همواره مورد توجه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بوده است. در این زمینه، بر اهمیت حضور پدر در خانواده و نقش وی در سلامت روانی کودکان و رشد عاطفی-اجتماعی تأکید شده است (هارت، هوزا و پلهام^۲، ۲۰۰۷). تأثیر فقدان پدر بر شخصیت، سازگاری و سلامت روانی کودکان از جمله موضوعات مهمی است که در خصوص کودکان فاقد پدر به آن توجه شده است (پارک^۳ و همکاران، ۲۰۰۲). بنابراین، در غیاب پدر، نقش مادر در تربیت کودک اهمیت فزاینده‌ای دارد، به گونه‌ای که در ابعاد والدگری مادرانه بر اساس حضور یا فقدان حضور پدر ممکن است تفاوت ایجاد شود. کیفیت روابط مادر و کودک نیز می‌تواند تحت تأثیر متغیرهای روان‌شناختی در مادران قرار گیرد.

از سوی دیگر، تنظیم هیجان مبنای مهمی در ظهور اختلال‌های عاطفی و رفتاری در سنین کودکی است. تنظیم هیجانی به توانایی فهم هیجان‌ها و تعدیل تجربه و ابراز هیجان‌ها اشاره دارد که می‌تواند به عنوان مکانیسمی، تعریف شود که افراد به واسطه آن (دانسته یا ندانسته)، هیجان‌های خود را برای رسیدن به پیامد مورد نظر تغییر دهند (آلداو، نولن-هوکسما و سویزر^۴، ۲۰۱۰). تنظیم هیجان سازش یافته، با اعتماد به خود و تعاملات اجتماعی، افزایش در فراوانی هیجان‌های مثبت، مقابله مؤثر در مواجهه با موقعیت‌های تنیدگی‌زا و حتی گسترش فعالیت‌های ممکن در پاسخ به موقعیت‌های اجتماعی مرتبط است (دیلون، دونی و پیزاگالی^۵، ۲۰۱۱). مهارت‌های تنظیم هیجان در روابط کودک-والد شکل می‌گیرد (کول^۶ و همکاران،

-
1. Lamb
 2. Hurt, Hoza and Pelham
 3. Parke
 4. Aldao, Nolen-Hoeksema and Schweizer
 5. Dillon, Deveney, and Pizzagalli
 6. Cole



۲۰۰۸) و کودکان این مهارت‌ها را از طریق تعامل با مراقبان خود و افراد مهم در زندگی خود یاد می‌گیرند (پری^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). آیزنبرگ^۲ و همکاران (۱۹۹۸) در پژوهش خود از سه عامل واکنش‌های والدین به هیجان‌ات کودک (رفتار و هیجان)، گفتگوی والدین و کودکان در زمینه هیجان‌ات و شیوه بروز و تظاهرات هیجان در والدین به‌عنوان عوامل مؤثر در شکل‌گیری تنظیم هیجانی در کودکان یاد کرده‌اند.

در همین راستا، گاتمن، کاتز و هوون^۳ (۱۹۹۶) نشان دادند که دیدگاه والدین درباره هیجان‌ات خود و فرزندانشان تأثیر قابل‌تأملی بر فرزندان دارد. مفهوم دیدگاه فراهیجانی والدین نخستین بار توسط گاتمن و همکاران (۱۹۹۶) معرفی شد. آن‌ها دیدگاه فراهیجانی والدین را به‌عنوان سازماندهی مجموعه‌ای از افکار و احساسات والدین درباره هیجان‌ات خود و فرزندانشان تعریف کردند. در یک مطالعه طولی سه‌ساله، گاتمن (به نقل از ایولینی که^۴، ۲۰۰۶) نشان داد باورهای هدایت‌گری والدین با سلامت جسمی و روانی کودکان پنج‌ساله، مرتبط است به این صورت که این کودکان، بیماری‌های فیزیکی کمتری را تجربه می‌کردند، از لحاظ تعاملات اجتماعی شایستگی بهتری داشتند، دارای توانایی خودتنظیمی بهتری بودند و توانایی تمرکز بیشتر و پیشرفت تحصیلی بهتری از خود نشان می‌دادند. چن، لین و لی^۵ (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خود بر نقش فراهیجان مادران در هیجان‌پذیری مثبت در کودکان تأکید کردند. همچنین، دیدگاه فراهیجانی به‌عنوان یک متغیر محافظت‌کننده از کودکان در برابر اثرات زیان‌بار موقعیت‌های غیرقابل‌تحمل عمل می‌کند و به روابط بین همسالان بهتری منجر می‌شود (کاتز و ویندکر^۶، ۲۰۰۴). بر همین اساس، با توجه به اینکه فقدان حضور پدر در خانواده می‌تواند موقعیتی سخت و غیرطبیعی برای کودکان باشد و با در نظر گرفتن تأکید گاتمن بر نقش تفکرات و احساسات والدین درباره هیجان‌ات در فرآیند والدگری، در پژوهش حاضر نقش فراهیجان مادر در تنظیم هیجانی کودکان دارا و فاقد پدر، مورد توجه محققان قرار گرفته

-
1. Perry
 2. Eisenberg
 3. Gottman, Katz and Hooven
 4. Evelynekehe
 5. Chen, Lin and Li
 6. Windecker

است.

به علاوه، در شکل‌گیری یک وضعیت هیجانی مطلوب و رابطه عاطفی پایدار و ایمن در کودکان، خودکارآمدی مادرانه نقشی مهم ایفا می‌کند (سروفی^۱، ۲۰۰۰). خودکارآمدی به اعتقاد فرد از توانایی خود در عملکرد موفقیت‌آمیز و ارائه راهکارهای لازم برای دستیابی به پیامدهای مطلوب اشاره دارد و نشان‌دهنده قضاوت ارزشی از توان شخصی است (بندورا^۲، ۲۰۰۱). خودکارآمدی مادرانه به اعتقاد مادر به توانایی اداره مؤثر تکالیف و موقعیت‌ها در وظایفی اشاره دارد که بر عهده وی است (یانگ^۳ و همکاران، ۲۰۰۶). همچنین خودکارآمدی والدین یعنی احساس آن‌ها درباره توانایی تغییر در زندگی فرزندان‌شان (مانند رفتار یادگیری آن‌ها) است که این امر به موفقیت هر چه بیشتر فرزندان در فعالیت‌های اجتماعی، هیجانی و تحصیلی منجر می‌شود (شامو و لوماکس^۴، ۲۰۰۲). هورل، هوینگ و هادسون^۵ (۲۰۱۶) گزارش کرده‌اند که والدین کودکان اضطرابی در مقایسه با گروه مقابل، آگاهی و پذیرش کمتری نسبت به هیجان خود و کودک‌شان داشتند. بر همین اساس با توجه به نقش متغیرهای مادرانه و اهمیت بررسی فرایند شکل‌گیری تنظیم هیجانی سازگاران در کودکان فاقد پدر، پژوهش حاضر در نظر دارد تا به مقایسه نقش خودکارآمدی مادرانه و فراهیجان مادر بر تنظیم هیجانی کودکان دارا و فاقد پدر در مقطع سنی ۸ تا ۱۱ سال بررسی کند. بر این اساس فرضیه‌های پژوهشی عبارتند از:

- ۱- خودکارآمدی مادران در تنظیم هیجانی کودکان دارای پدر نقش ایفا می‌کند.
- ۲- خودکارآمدی مادران در تنظیم هیجانی کودکان فاقد پدر نقش ایفا می‌کند.
- ۳- فراهیجان مادران در تنظیم هیجانی کودکان دارای پدر نقش ایفا می‌کند.
- ۴- فراهیجان مادران در تنظیم هیجانی کودکان فاقد پدر نقش ایفا می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کودکان دارا

-
1. Sroufi
 2. Bandura
 3. Young
 4. Shumow and Lomax
 5. Hurrell, Houwing and Hudson



و فاقد پدر در مقطع سنی ۸ - ۱۱ سال شهر شیراز بود. نمونه دانش‌آموزان دارای پدر به صورت خوشه‌ای مرحله‌ای تصادفی از دانش‌آموزان ناحیه ۳ شیراز و گروه دانش‌آموزان فاقد پدر به جهت هم‌تاسازی با گروه دارای پدر، از همان ناحیه و به صورت دسترس از بین دانش‌آموزان تحت پوشش یک مرکز خیریه انتخاب شدند. در نهایت ۲۰۰ نفر دانش‌آموز کلاس دوم تا پنجم (هر گروه ۱۰۰ نفر) و مادرانشان در پژوهش شرکت کردند. شیوه انتخاب دانش‌آموزان دارای پدر به این صورت بود که ابتدا از بین نواحی آموزشی و پرورش شهر شیراز، یک ناحیه (شماره ۳) به تصادف انتخاب شد و سپس در این ناحیه، یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه به‌طور تصادفی مشخص شدند که در مجموع شامل ۲ مدرسه بود. در مرحله بعد از هر مدرسه نیز ۳ کلاس به‌صورت تصادفی در پایه‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم انتخاب شد. آزمودنی‌ها در دامنه سنی ۸ - ۱۱ سال قرار داشتند. میانگین سنی کل کودکان ۹/۶۵ و انحراف استاندارد کل کودکان ۱/۲ و برای مادران میانگین سنی کل ۳۸/۵۷ و انحراف استاندارد کل ۵/۶۳ است. با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر بررسی مقایسه‌ای بین دو گروه دارای پدر و فاقد پدر است، لازم به نظر می‌رسد که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دو گروه به منظور بررسی میزان تشابه و تجانس در متغیرهای زمینه‌ای مورد توجه قرار گیرد. بر همین اساس، جدول ۱ درصد پاسخگویان دو گروه (دارای پدر و فاقد پدر) را در متغیرهای جنسیت، سن، معدل، تعداد خواهر و برادران و ترتیب تولد نشان می‌دهد.

جدول ۱: درصد پاسخگویان دو گروه در متغیرهای جنسیت، معدل، تعداد خواهر و برادران و ترتیب تولد

گروه	جنسیت درصد	سن درصد	معدل	درصد	تعداد خواهر و برادران	درصد	ترتیب تولد	درصد
فاقد پدر	پسر	۴۲	۸ سال	۲۰	خیلی خوب	۷۲	۱	۱۹
	دختر	۵۸	۹ سال	۱۷	خوب	۲۶	۲	۵۸
	کل	۱۰۰	۱۰ سال	۲۱	قابل قبول	۲	۳	۲۰
			۱۱ سال	۴۱		۴	۴	۲
دارای پدر	پسر	۴۲	۸ سال	۳۰	خیلی خوب	۷۵	۱	۹
	دختر	۵۸	۹ سال	۲۲	خوب	۲۵	۲	۴۶
	کل	۱۰۰	۱۰ سال	۲۷		۳	۳	۳۸
			۱۱ سال	۲۱		۴	۴	۷

جدول ۲ درصد پاسخگویان دو گروه (دارای پدر و فاقد پدر) را در متغیرهای تحصیلات پدر و مادر، شغل مادر و نحوه تأمین مخارج نشان می‌دهد.

جدول ۲: درصد پاسخگویان دو گروه در متغیرهای تحصیلات پدر و مادر، شغل مادر و نحوه تأمین مخارج

گروه	تحصیلات پدر درصد	تحصیلات مادر درصد	شغل مادر درصد	نحوه تأمین مخارج درصد
مادر و بستگان	زیر دیپلم	زیر دیپلم	متخصصان غیر عالی	مادر و بستگان
	دیپلم	دیپلم	خدماتی سطح بالا	مادر
	لیسانس	لیسانس	کارمندی سطح پایین	بستگان نزدیک
			فروش سطح پایین	همسر دوم
			خدماتی سطح پایین	کمک دولتی
مادر	زیر دیپلم	زیر دیپلم	تولیدی سطح پایین	
	دیپلم	دیپلم	خانه‌دار	
	لیسانس	لیسانس	متخصصان غیر عالی	
			خدماتی سطح بالا	
			کارمندی سطح پایین	
		خدماتی سطح پایین		
		خانه‌دار		

ابزارهای پژوهش عبارت بود از:

چک لیست تنظیم هیجانی^۱: چک لیست تنظیم هیجانی یک مقیاس خودگزارشی ۲۴ آیتمی است که شیلدز و سیچتی^۲ (۱۹۹۸) طراحی کرده‌اند و فرآیندهای تنظیم هیجانی مانند بی‌ثباتی عاطفی، شدت، ظرفیت، انعطاف‌پذیری و تناسب موقعیتی را در کودکان می‌سنجد. گویه‌ها در طیف لیکرت چهار درجه‌ای تنظیم شدند (از ۱= هرگز تا ۴= همیشه) و به دو خرده مقیاس تنظیم هیجان و تغییرپذیری / منفی‌گرایی تقسیم می‌شوند. در مطالعه‌ای که ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار بررسی شد، آلفای کرونباخ ۰/۹۰ برای تغییرپذیری / منفی‌گرایی و ۰/۷۹ برای تنظیم هیجان به دست آمد (مولینا^۳ و همکاران، ۲۰۱۴). برای آماده‌سازی این ابزار، ابتدا

1. Emotion Regulation Checklist (ERC)
2. Shields and Cicchetti
3. Molina



نسخه انگلیسی چک لیست، توسط محققان ترجمه، سپس به وسیله یکی از متخصصین زبان انگلیسی بررسی شد و با روش ترجمه معکوس و مقایسه دونسخه فارسی و انگلیسی، فرمت نهایی آماده شد. به منظور بررسی پایایی از روش همسانی درونی و بازآزمایی استفاده شد، میزان آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس تنظیم هیجان $0/49$ و برای خرده مقیاس تغییرپذیری / منفی‌گرایی $0/71$ به دست آمد. همچنین ضرایب بازآزمایی برای خرده مقیاس تنظیم هیجان $0/99$ و برای خرده مقیاس تغییرپذیری / منفی‌گرایی $0/98$ محاسبه شد که بیان‌کننده پایایی این ابزار است. همچنین شواهد روایی این چک‌لیست از طریق تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد که نتایج این تحلیل در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: شاخص‌های برازش چک لیست تنظیم هیجانی

χ^2	DF	AGFI	CFI	TLI	AIC	BBC	RMSEA
۲۳۱/۸۶	۱۳۴	۰/۸۶	۰/۸۳	۰/۸۱	۳۰۵/۸۶	۳۱۳/۶۷	۰/۰۶

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، شاخص‌های برازندگی نشان‌دهنده برازش مطلوب چک لیست تنظیم هیجانی با مدل نظری است که بیان‌کننده روایی مناسب این ابزار است.

مقیاس خودکارآمدی مادران: مقیاس خودکارآمدی مادران برکلی (نسخه دوم)^۱ یک مقیاس خودگزارشی ۱۷ سؤالی است که هالووی^۲ و همکاران (۲۰۰۵) ساخته‌اند. دارای چهار عامل شامل مسئولیت‌پذیری (۱، ۲، ۳، ۴)، خودمدیریتی (۵، ۶، ۷، ۸)، پذیرش فرزند (۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴) و ارزیابی مثبت فرزند (۱۵، ۱۶، ۱۷) است. سؤالات این مقیاس بر روی طیف لیکرت ۶ درجه‌ای قرار دارد. در پژوهش یانیک‌بالات، زمبات و ایسر^۳ (۲۰۰۸) پایایی مقیاس به روش بازآزمایی بررسی شد و ضریب همبستگی میان دو بار اندازه‌گیری ($r=0/35$) در سطح $p < 0/05$ معناداری بود. همچنین در پژوهشی دیگر، آلفای کرونباخ کل مقیاس $0/80$ و همچنین آلفای عامل‌های مسئولیت‌پذیری، خودمدیریتی، پذیرش فرزند و ارزیابی مثبت فرزند

1. Berkeley parenting self- efficacy scale- second grade version
2. Holloway
3. Uyanikbalat, Zembet and Acer

به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۶۸، ۰/۷۷ و ۰/۶۲ گزارش شده است (گلدن، رنژین و ملیک، ۲۰۱۰). همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۱ و برای عامل‌های مسئولیت‌پذیری، پذیرش فرزند، ارزیابی مثبت فرزند و خودمدیریتی به ترتیب ۰/۶۳، ۰/۶۵، ۰/۵۶ و ۰/۵۸ به دست آمد. در پژوهش رضایی و همکاران (۱۳۹۳) روایی این مقیاس سنجش شد و به منظور تعیین تعداد عامل‌های زیربنایی مقیاس خودکارآمدی مادران، تحلیل عاملی اکتشافی روی کل داده‌های نمونه اجرا شد. شاخص KMO برابر با ۰/۸۶ و ضریب کرویت بارتلت برابر با ۱۴۴۰/۷۷ به دست آمد که در سطح ۰/۰۰۵ معناداری و نشانگر وجود شواهد کافی برای تحلیل عاملی است، بر این اساس، چهار عامل مقیاس، مجموعاً ۵۲ درصد از واریانس کل را تبیین کرد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳).

مقیاس دیدگاه فراهیجانی والدین: ابزار مورد استفاده برای سنجش فراهیجان مادران، پرسشنامه دیدگاه فراهیجان والدین (ایولینی که، ۲۰۰۶) بود. فرم اصلی پرسشنامه دارای ۳۰ سؤال که توسط پارسایی و فولادچنگ (۱۳۸۹) ترجمه شده و روایی و پایایی آن محاسبه و سه سؤال آن حذف شده است. بنابراین، پرسشنامه استفاده شده در این پژوهش همان پرسشنامه ۲۷ سؤالی است. پرسشنامه دو خرده مقیاس هدایت‌گری و پذیرش دارد. حداکثر نمره برای یک فرد ۱۳۵ و حداقل نمره ۲۷ است. با ترکیب دو خرده مقیاس هدایت‌گری و پذیرش چهار سبک فراهیجانی مشخص می‌شود که حاصل تعامل دو طیف هدایت‌گری بالا و پایین و پذیرش بالا و پایین است. ایولینی که (۲۰۰۶) روایی پرسشنامه را از طریق تحلیل عوامل بررسی کرد. در پژوهش وی نتایج تحلیل عاملی با استفاده از چرخش متعامد به استخراج دو عامل هدایت‌گری و پذیرش شده است. ایولینی که (۲۰۰۶) ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس هدایت‌گری ۰/۹۳، برای خرده مقیاس پذیرش ۰/۸۵ و برای کل مقیاس ۰/۷۹ گزارش کرده است. در فرهنگ ایرانی، پارسایی و فولادچنگ (۱۳۸۹) نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس هدایت‌گری را ۰/۸۶، برای خرده مقیاس پذیرش ۰/۸۱ و برای کل مقیاس ۰/۸۸ گزارش کرده‌اند. همچنین پارسایی و فولادچنگ (۱۳۸۹) روایی مقیاس را با تحلیل عاملی بررسی کردند؛ که نتایج حاکی از دو عاملی بودن این مقیاس بود. در پژوهش آن‌ها شاخص



KMO برابر با ۰/۸۰ و ضریب کرویت بارتلت برابر با ۴۲۷۰ به دست آمد که در سطح ۰/۰۰۰۱ معناداری بوده است. همچنین روایی همگرایی این ابزار در پژوهش حاضر از طریق همبستگی هر بعد با نمره کل مقیاس، سنجش شد. نتایج همبستگی نشان داد که ضریب همبستگی بعد عقاید مربوط به هدایت‌گری با نمره کل برابر با ۰/۸۹ و همبستگی بعد عقاید مربوط به پذیرش با نمره کل برابر ۰/۷۰ است که تأییدی بر مطلوبیت روایی مقیاس است.

یافته‌های پژوهش

به منظور آشنایی با اطلاعات توصیفی، ابتدا شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش بررسی شد. جدول ۶، میانگین و انحراف استاندارد ابعاد خودکارآمدی و فراهیجان مادران و تنظیم هیجانی کودکان به تفکیک گروه‌های دارا و فاقد پدر نشان را می‌دهد.

جدول ۶: میانگین و انحراف استاندارد ابعاد خودکارآمدی و فراهیجان مادران و تنظیم هیجانی کودکان به تفکیک گروه

فاقد پدر			دارای پدر			متغیر
N	SD	\bar{x}	N	SD	\bar{x}	
۱۰۰	۲/۷۳	۱۹/۸۸	۱۰۰	۳/۰۴	۱۹/۴۳	مسئولیت‌پذیری
۱۰۰	۱/۷۵	۱۵/۵۳	۱۰۰	۱/۷۵	۱۵/۵۷	خودمدیریتی
۱۰۰	۳/۶۵	۳۰/۲۲	۱۰۰	۳/۹۰	۲۹/۱۱	پذیرش فرزند
۱۰۰	۱/۵۷	۱۶/۴۸	۱۰۰	۱/۵۷	۱۶/۶۳	ارزیابی مثبت فرزند
۱۰۰	۵/۱۶	۸۴/۲۳	۱۰۰	۵/۸۹	۸۱/۹۲	عقاید مربوط به هدایت‌گری
۱۰۰	۵/۸۶	۳۷/۲۱	۱۰۰	۶/۵۹	۳۵/۴۴	عقاید مربوط به پذیرش
۱۰۰	۲/۶۶	۱۴/۲۶	۱۰۰	۲/۶۳	۱۴/۶۹	تنظیم هیجانی
۱۰۰	۴/۵۷	۲۲/۹۰	۱۰۰	۴/۵۲	۲۲/۳۶	تغییرپذیری

= تعداد آزمودنی‌ها N = انحراف استاندارد و SD = میانگین، \bar{X}

همچنین قبل از انجام تحلیل‌های استنباطی، روابط همبستگی بین متغیرهای پژوهش در دو گروه دارا و فاقد پدر از طریق ارزیابی ماتریس همبستگی بررسی شد. جدول ۷ ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق را در گروه دارای پدر نشان می‌دهد.

جدول ۷: ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق در پاسخگویان دارای پدر

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱-مسئولیت پذیری	۱								
۲-خودمدیریتی	۰/۴۲**	۱							
۳-پذیرش فرزند	۰/۴۸**	۰/۴۰**	۱						
۴-ارزیابی مثبت فرزند	۰/۴۱**	۰/۳۲**	۰/۵۸**	۱					
۵-خودکارآمدی کلی	۰/۷۲**	۰/۶۳**	۰/۸۴**	۰/۶۷**	۱				
۶-عقاید مربوط به هدایت‌گری	۰/۲۴*	۰/۲۴*	۰/۲۵*	۰/۴۱**	۰/۳۲**	۱			
۷-عقاید مربوط به پذیرش	۰/۰۰	۰/۰۰	-۰/۰۳	-۰/۱۲	-۰/۰۴	۰/۱۴	۱		
۸-تنظیم هیجانی	۰/۲۱*	۰/۳۳**	۰/۱۶	۰/۱۷	۰/۲۸**	۰/۲۷**	-۰/۰۳	۱	
۹-تغییرپذیری کودک	-۰/۲۶**	-۰/۳۳**	-۰/۱۵	-۰/۱۴	-۰/۲۷**	-۰/۲۴*	۰/۰۷	-۰/۳۵**	۱

* P < 0/05 ** P < 0/01

همچنین، جدول ۸ ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق را در گروه فاقد پدر نشان می‌دهد.

جدول ۸: ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق در پاسخگویان فاقد پدر

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱-مسئولیت پذیری	۱								
۲-خودمدیریتی	۰/۴۷**	۱							
۳-پذیرش فرزند	۰/۴۳**	۰/۴۶**	۱						
۴-ارزیابی مثبت فرزند	۰/۴۳**	۰/۴۳**	۰/۴۵**	۱					
۵-خودکارآمدی کلی	۰/۷۳**	۰/۷۳**	۰/۸۲**	۰/۶۵**	۱				
۶-عقاید مربوط به هدایت‌گری	۰/۱۸	۰/۲۱*	۰/۲۵*	۰/۲۲*	۰/۳۳**	۱			
۷-عقاید مربوط به پذیرش	-۰/۰۴	-۰/۱۰	-۰/۰۷	-۰/۰۵	-۰/۰۷	۰/۱۹	۱		
۸-تنظیم هیجانی	۰/۱۴	۰/۲۷**	۰/۲۲*	۰/۱۵	۰/۳۳**	۰/۱۹	-۰/۱۱	۱	
۹-تغییرپذیری کودک	-۰/۲۳*	-۰/۴۳**	-۰/۲۳*	-۰/۱۹	-۰/۳۳**	-۰/۱۷	۰/۱۸	-۰/۲۶**	۱

* P < 0/05 ** P < 0/01

در فرضیه اول پژوهش حاضر، به نقش خودکارآمدی مادران در تنظیم هیجانی کودکان دارای



پدر، توجه شده است، به منظور بررسی این فرضیه، از تحلیل رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شد. جدول ۹ نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی تنظیم هیجانی کودکان دارای پدر از روی خودکارآمدی مادران را نشان می‌دهد.

جدول ۹: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان، پیش‌بینی تنظیم هیجانی کودکان دارای پدر بر اساس خودکارآمدی مادران

متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R^2	T	P
مسئولیت‌پذیری	۰/۰۷	۰/۰۸			۰/۶۹	۰/۴۹
خودمدیریتی	۰/۴۳	۰/۲۹	۳۴۰/۱	۰/۱۲	۲/۶۱	۰/۰۱
پذیرش فرزند	-۰/۰۱	-۰/۰۲			-۰/۱۶	۰/۸۷
ارزیابی مثبت فرزند	۰/۰۹	۰/۰۶			۰/۴۶	۰/۶۵

همان‌گونه که در جدول ۹ مشاهده می‌شود، از بین ابعاد خودکارآمدی مادران، تنها بعد خودمدیریتی پیش‌بین مثبت و معناداری برای تنظیم هیجانی کودکان دارای پدر بود ($\beta=۰/۲۹, P=۰/۰۰۱$). متغیرهای پیش‌بین در مجموع ۱۲ درصد از واریانس تنظیم هیجانی کودکان دارای پدر را تبیین می‌کردند. جدول ۱۰ نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی تغییرپذیری هیجانی کودکان دارای پدر از روی خودکارآمدی مادران را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان، پیش‌بینی تغییرپذیری هیجانی کودکان دارای پدر بر اساس خودکارآمدی مادران

متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R^2	T	P
مسئولیت‌پذیری	-۰/۳۴	-۰/۱۶			-۱/۳۹	۰/۱۷
خودمدیریتی	-۰/۷۳	-۰/۲۸	۲۹۰/۱	۰/۰۸	-۲/۵۷	۰/۰۱
پذیرش فرزند	۰/۰۵	۰/۰۵			۰/۳۷	۰/۷۲
ارزیابی مثبت فرزند	-۰/۰۲	-۰/۰۱			-۰/۰۶	۰/۹۵

همان‌گونه که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود، از بین ابعاد خودکارآمدی مادران، تنها بعد خودمدیریتی پیش‌بین منفی و معناداری برای تغییرپذیری کودکان دارای پدر بود ($\beta=-۰/۲۸, P=۰/۰۰۱$). متغیرهای پیش‌بین در مجموع ۱۳ درصد از واریانس تغییرپذیری کودکان دارای پدر را تبیین می‌کردند.

به منظور بررسی فرضیه دوم پژوهش در زمینه نقش خودکارآمدی مادران در تنظیم هیجانی کودکان فاقد پدر، از روش آماری رگرسیون همزمان استفاده شد. جدول ۱۱، نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی تنظیم هیجانی کودکان فاقد پدر از روی خودکارآمدی مادران را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان، پیش‌بینی تنظیم هیجانی کودکان فاقد پدر بر اساس خودکارآمدی مادران

متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R^2	T	P
مسئولیت‌پذیری	-۰/۰۲	-۰/۰۲			-۰/۱۳	۰/۸۹
خودمدیریتی	۰/۳۳	۰/۲۱	۰/۳۶	۰/۱۳	۱/۷۹	۰/۰۸
پذیرش فرزند	۰/۰۸	۰/۱۲			۰/۹۸	۰/۳۳
ارزیابی مثبت فرزند	۰/۰۳	۰/۰۲			۰/۱۴	۰/۸۹

همان‌گونه که در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود، هیچ یک از ابعاد خودکارآمدی مادران، پیش‌بین معناداری برای تنظیم هیجانی کودکان فاقد پدر نبود. جدول ۱۲ نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی تغییرپذیری هیجانی کودکان فاقد پدر از روی خودکارآمدی مادران را نشان می‌دهد.

جدول ۱۲: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان، پیش‌بینی تغییرپذیری هیجانی کودکان فاقد پدر بر اساس خودکارآمدی مادران

متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R^2	T	P
مسئولیت‌پذیری	-۰/۰۴	-۰/۰۳			-۰/۲۴	۰/۸۱
خودمدیریتی	-۱/۰۴	-۰/۴۰	۴۳/۰	۰/۱۹	-۳/۵۳	۰/۰۰۱
پذیرش فرزند	-۰/۰۴	-۰/۰۳			-۰/۳۱	۰/۷۶
ارزیابی مثبت فرزند	۰/۰۱	۰/۰۰			۰/۰۲	۰/۹۹

همان‌گونه که در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود، از بین ابعاد خودکارآمدی مادران، تنها بعد خودمدیریتی پیش‌بین منفی و معناداری برای تغییرپذیری کودکان فاقد پدر بود ($\beta = -۰/۴۰, P = ۰/۰۰۱$). متغیرهای پیش‌بین در مجموع ۱۹ درصد از واریانس تغییرپذیری کودکان فاقد پدر را تبیین می‌کردند.



فرضیه سوم پژوهش حاضر بر نقش فراهیجان مادران در تنظیم هیجانی کودکان دارای پدر تأکید شده است، به منظور بررسی این فرضیه نیز از روش آماری رگرسیون همزمان استفاده شد. جدول ۱۳ نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی تنظیم هیجانی کودکان دارای پدر از روی فراهیجان مادران را نشان می‌دهد.

جدول ۱۳: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان، پیش‌بینی تنظیم هیجانی کودکان دارای پدر بر اساس فراهیجان

مادران						
P	T	R ²	R	β	B	متغیرهای پیش‌بین
۰/۰۱	۲/۸۶	۰/۰۸	۲۸۰/	۰/۲۸	۰/۱۳	عقاید مربوط به هدایت‌گری
۰/۴۹	-۰/۶۹			-۰/۰۷	-۰/۰۳	عقاید مربوط به پذیرش

همان‌گونه که در جدول ۱۳ مشاهده می‌شود، از بین ابعاد فراهیجان مادران، تنها بعد عقاید مربوط به هدایت‌گری پیش‌بین مثبت و معناداری برای تنظیم هیجانی کودکان دارای پدر بود ($\beta=۰/۲۸, P=۰/۰۱$). متغیرهای پیش‌بین در مجموع ۸ درصد از واریانس تنظیم هیجانی کودکان دارای پدر را تبیین می‌کردند. جدول ۱۱ نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی تغییرپذیری هیجانی کودکان دارای پدر از روی فراهیجان مادران را نشان می‌دهد.

جدول ۱۴: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان، پیش‌بینی تغییرپذیری هیجانی کودکان دارای پدر بر اساس

فراهیجان مادران						
P	T	R ²	R	β	B	متغیرهای پیش‌بین
۰/۰۲	-۲/۳۳	۰/۰۶	۰/۲۴	-۰/۲۳	-۰/۱۸	عقاید مربوط به هدایت‌گری
۰/۳۰	۱/۰۵			۰/۱۰	۰/۰۷	عقاید مربوط به پذیرش

همان‌گونه که در جدول ۱۴ مشاهده می‌شود، از بین ابعاد فراهیجان مادران، تنها بعد عقاید مربوط به هدایت‌گری پیش‌بین منفی و معناداری برای تغییرپذیری کودکان دارای پدر بود ($\beta=-۰/۲۳, P=۰/۰۲$). متغیرهای پیش‌بین در مجموع ۶ درصد از واریانس تنظیم هیجانی کودکان دارای پدر را تبیین می‌کردند.

به منظور بررسی فرضیه آخر پژوهشی، در زمینه نقش فراهیجان مادران در تنظیم هیجانی کودکان فاقد پدر، از روش آماری رگرسیون همزمان استفاده شد. جدول ۱۵ نتایج تحلیل

رگرسیون برای پیش‌بینی تنظیم هیجانی کودکان فاقد پدر از روی فراهیجان مادران را نشان می‌دهد.

جدول ۱۵: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان، پیش‌بینی تنظیم هیجانی کودکان فاقد پدر بر اساس فراهیجان

مادران						
P	T	R ²	R	B	B	متغیرهای پیش‌بین
۰/۰۴	۲/۱۴			۰/۲۱	۰/۱۱	عقاید مربوط به هدایت‌گری
		۰/۰۶	۰/۲۴			
۰/۱۵	-۱/۴۶			-۰/۱۵	-۰/۰۷	عقاید مربوط به پذیرش

همان‌گونه که در جدول ۱۵ مشاهده می‌شود، از بین ابعاد فراهیجان مادران، تنها بعد عقاید مربوط به هدایت‌گری پیش‌بین مثبت و معناداری برای تنظیم هیجانی کودکان فاقد پدر بود ($B=۰/۲۱, P=۰/۰۴$). متغیرهای پیش‌بین در مجموع ۶ درصد از واریانس تنظیم هیجانی کودکان فاقد پدر را تبیین می‌کردند. جدول ۱۶ نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی تغییرپذیری هیجانی کودکان فاقد پدر از روی فراهیجان مادران را نشان می‌دهد.

جدول ۱۶: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان، پیش‌بینی تغییرپذیری هیجانی کودکان فاقد پدر بر اساس

فراهیجان مادران						
P	T	R ²	R	B	B	متغیرهای پیش‌بین
۰/۰۳	-۲/۱۶			-۰/۲۲	-۰/۱۹	عقاید مربوط به هدایت‌گری
		۰/۰۸	۰/۲۸			
۰/۰۳	۲/۲۰			۰/۲۲	۰/۱۷	عقاید مربوط به پذیرش

همان‌گونه که در جدول ۱۶ مشاهده می‌شود، عقاید مربوط به هدایت‌گری پیش‌بین منفی ($B=-۰/۲۲, P=۰/۰۳$) و عقاید مربوط به پذیرش، پیش‌بین مثبت و معناداری برای تغییرپذیری هیجانی کودکان فاقد پدر بودند ($B=۰/۲۲, P=۰/۰۳$). متغیرهای پیش‌بین در مجموع ۸ درصد از واریانس تغییرپذیری هیجانی کودکان فاقد پدر را تبیین می‌کردند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی مقایسه‌ای نقش خودکارآمدی مادرانه و فراهیجان مادر بر تنظیم هیجانی کودکان دارا و فاقد پدر در مقطع سنی ۸ - ۱۱ سال بود. نتایج تحلیل‌ها نشان‌دهنده



نقش تأثیرگذار متغیرهای روان‌شناختی مادر در تنظیم هیجانی کودکان دارا و فاقد پدر است که آن‌ها را در ادامه تبیین می‌کنیم.

فرضیه نخست پژوهش، نقش خودکارآمدی مادران را در تنظیم هیجان کودکان دارای پدر بیان می‌کند. نتایج نشان داد که از بین ابعاد خودکارآمدی مادران، بعد خودمدیریتی پیش‌بین مثبت و معناداری برای تنظیم هیجانی و پیش‌بین منفی و معناداری برای تغییرپذیری هیجانی کودکان دارای پدر است. با توجه به اینکه خودکارآمدی مادرانه به توانایی ادراک شده مادر در تأثیرگذاری مثبت بر رفتار و رشد کودک، اشاره دارد (کلمن و هیلدبرند کاراکر^۱، ۲۰۰۳)، در زمینه نقش مثبت خودمدیریتی در تنظیم هیجانی کودکان دارای پدر باید گفت مادری که خودکارآمدی زیادی دارد، تمایل دارد تا از طریق درگیر کردن فرزند خود در تجارب و فعالیت‌های هیجانی و شناختی، خودمدیریتی کودک را رشد دهد. این افزایش خودمدیریتی، می‌تواند برای کودکان در تنظیم هیجان‌شان هنگام مواجهه با شرایط هیجانی مفید باشد. بر همین اساس خودکارآمدی والدین می‌تواند به افزایش سازگاری هیجانی و اجتماعی (شامو و لوماکس، ۲۰۰۲) فرزندان منجر شود. در همین راستا پنل و همکاران (۲۰۱۲) نشان می‌دهند، به‌علاوه، زمانی که مادر به دلیل بالا بودن خودکارآمدی والدینی، ارزیابی مثبتی از شایستگی‌های خود در آموزش خودمدیریتی به کودک داشته باشد، زمینه کاهش تغییرپذیری هیجانی را در فرزند خود ایجاد می‌کند. لذا خودکارآمدی پایین مادر با مشکلات هیجانی، عاطفی و رفتاری کودک همراه می‌شود (جونز^۲، ۲۰۰۶؛ سالو^۳ و همکاران، ۲۰۰۹). در همین راستا کولمن و هیلدبرند کاراکر^۴ (۲۰۰۳) نشان می‌دهند که خودکارآمدی والدینی مادر، نقش منفی‌ایی در اجتناب و منفی‌نگری کودک ایفا می‌کند.

فرضیه دوم پژوهش، نقش خودکارآمدی مادران را در تنظیم هیجانی کودکان بیان می‌دارد. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که هیچ‌یک از ابعاد خودکارآمدی مادران، پیش‌بین معناداری برای تنظیم هیجانی کودکان فاقد پدر نبود، همچنین بعد خودمدیریتی پیش‌بین منفی و معناداری

-
1. Coleman and Hildebrandt Karraker
 2. Jones
 3. Salo
 4. Coleman and Karraker

برای تغییرپذیری هیجانی کودکان فاقد پدر بود. به این معنا که، زمانی مادر برآورد مثبتی از توانایی خود در آموزش خودمدیریتی به فرزند خود داشته باشد، میزان تغییرپذیری و کنترل‌ناپذیری هیجانی در این گروه از کودکان کاهش می‌یابد. این یافته با پژوهش‌های همخوانی دارد. در تبیین این یافته که خودکارآمدی مادران نقشی در تنظیم هیجانی کودکان فاقد پدر ایفا نمی‌کند؛ می‌توان چنین گفت که مادران فاقد همسر لازم است نقش‌های متعددی همچون مدیریت اقتصادی خانواده، اداره و انجام کارهای خانه و مراقبت‌های جسمی و هیجانی از سایر اعضای خانواده اصلی را ایفا کنند؛ که همین امر بار مسئولیت‌های این دسته از مادران را افزایش می‌دهد، لذا مادر به اولویت‌های مهم‌تری توجه می‌کند که نیاز به صرف انرژی بیشتر و فوری‌تر دارد، لذا علی‌رغم اینکه خود را در انجام وظایف فرزندپروری مثبت ارزیابی می‌کند، نقش مؤثری در تنظیم هیجانی کودک خود نمی‌تواند داشته باشد. مسأله چند نقش بودن آن‌ها؛ سبب می‌شود که در زمان واحد چندین نقش مختلف را ایفا کنند. خصوصاً زمانی که سعی می‌کنند به شغل خود به اندازه کارهای خانه و مراقبت از فرزندان اهمیت بدهند، دچار تعارض نقش می‌شوند و همین امر به ایجاد فشار و اضطراب در آن‌ها منجر می‌شود (روزن‌فیلد، ۱۹۸۹). به نظر می‌رسد این اضطراب و استرس ناشی از مسئولیت‌های متعدد، بر کیفیت رفتارها و مراقبت‌های مادران تأثیر منفی می‌گذارد.

در زمینه فرضیه سوم پژوهشی که بر نقش فراهیجان مادران در تنظیم هیجانی کودکان دارای پدر تأکید می‌کند؛ نتایج نشان داد که از بین ابعاد فراهیجان مادران، بعد عقاید مربوط به هدایت‌گری پیش‌بین مثبت و معناداری برای تنظیم هیجانی و پیش‌بین منفی و معناداری برای تغییرپذیری هیجانی کودکان دارای پدر بود. با توجه به اینکه بعد عقاید هدایت‌گری به مؤلفه‌هایی شامل صحبت با فرزند در زمینه مواجهه با شرایط استرس‌زا و آموزش کنترل خود به فرزندان است، در تبیین نقش فراهیجان مادر در تنظیم هیجانی کودک، می‌توان از اهمیت گفت‌وگوهای هیجان‌محور در رابطه والد-فرزندی سخن گفت. در این موقعیت‌ها، کودکان یاد می‌گیرند تا تجارب هیجانی خود را سازماندهی، تفسیر و ارزیابی کنند، همچنین در این گفت‌وگوها، کودکان حس نوبی از خویشتن را



شکل و توسعه می‌دهند (ریس^۱ و همکاران، ۲۰۰۷) و مهارت‌های تنظیم هیجانی را تقویت می‌کنند. در همین راستا هورل و همکاران (۲۰۱۶) نقش فراهیجان و هدایت‌گری هیجانی والدین را در تنظیم هیجانی کودکان و نوجوانان دارای اختلال اضطرابی تأیید می‌کنند. بر همین اساس، فراهیجان مادران زمینه هیجان‌پذیری مثبت در کودکان دبستانی را فراهم می‌آورد (چن و همکاران، ۲۰۱۲). یافته‌ی دیگر پژوهشی مربوط به این بخش، نقش منفی هدایت‌گری والدین در تغییرپذیری هیجانی کودکان است. به این معنا؛ مادرانی که عقاید بالایی در زمینه هدایت‌گری فرزندان دارند، کودکان‌شان دشواری‌های کمتری در تغییرپذیری هیجانی دارند. در واقع باید گفت، کودکان دارای مهارت‌های تنظیم هیجان قادرند به نظارت، ارزیابی و اصلاح واکنش‌های هیجانی خود پردازند و فراز و فرود هیجانات منفی خود را مدیریت کنند (شیپمن^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). فرآیندهای تنظیم هیجان در کودکان اغلب در دو جنبه به صورت ویژه متمایز شده است. یکی از آن‌ها شامل تغییرپذیری هیجانی و دیگری تنظیم انطباقی هیجان است. تغییرپذیری هیجانی را حساسیت کودکان به رویدادهای تهییج‌کننده هیجان معرفی کرده‌اند (دانسمور^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). اگر چه عوامل بسیاری، از جمله خلق و خو، وضعیت عصب-فیژبولوژی و رشد شناختی بر رشد و تحول تغییرپذیری هیجانی در کودکان تأثیرگذارند، اما اکثر روان‌شناسان توافق دارند که خانواده نقش عمده‌ای در این زمینه دارد (موریس^۴ و همکاران، ۲۰۰۷). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که شاخص‌های منفی موجود در بافت خانواده، ممکن است کودک را به جهتی سوق دهد که نتواند راهبرد واحدی را برای تنظیم هیجان در موقعیت‌های مختلف به کار برد، بلکه بیشتر تغییرپذیری هیجانی را رشد دهد. لذا یکی از ویژگی‌های والدین که ممکن است به افزایش تغییرپذیری و فقدان کنترل هیجانی در کودکان منجر شود، کمبود باورهای هیجانی به‌ویژه عقاید مربوط به هدایت‌گری فرزندان است. در همین راستا الیس و همکاران (۲۰۱۴) نشان می‌دهند، باورهای هدایت‌گری والدین می‌تواند میزان تغییرپذیری هیجانی کودک را کاهش دهد.

فرضیه آخر پژوهش حاضر، نقش فراهیجان مادران را در تنظیم هیجانی کودکان فاقد پدر

-
1. Reese
 2. Shipman
 3. Dunsmore
 4. Morris

مطرح می‌کند. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که همانند گروه کودکان دارای پدر، از بین ابعاد فراهیجان مادران، بعد عقاید مربوط به هدایت‌گری پیش‌بین مثبت و معناداری برای تنظیم هیجانی و پیش‌بین منفی و معناداری برای تغییرپذیری هیجانی کودکان فاقد پدر بود. باید گفت، زمانی که مادر عقاید هدایت‌گری بالایی دارد، از یادآوری رویدادهای منفی گذشته به عنوان یک فرصت یادگیری غنی برای کودکان استفاده می‌کند، لذا به‌رغم این واقعیت که در خانواده‌های این‌چنینی، کودکان به دلیل فقدان پدر، کمبودهای عاطفی را تجربه می‌کنند، اما با هدایت‌گری مادر، کودکان می‌توانند هیجانان خود را منعکس و مادران به آن‌ها کمک کنند تا جنبه‌های هیجانی مثبت و منفی رویداد را بشناسند و انتخاب کنند که کدام جنبه همچنان باقی بماند. موریس و همکاران (۲۰۱۱) نیز در مدل خود در ارتباط با باورهای هدایت‌گری هیجانی والدین از یک ساختار تحت عنوان مکالمات هیجانی^۱ والد-فرزند سخن گفته‌اند. به باور آن‌ها، والدینی که در هدایت‌گری هیجانی از مکالمات هیجانی بهره می‌گیرند، از هیجانان کودک‌شان آگاه می‌شوند، سپس هیجانان را صرف‌نظر مثبت و منفی بودن می‌پذیرند، در شناساندن جنبه‌های مثبت و منفی تجارب هیجانی به وی کمک می‌کنند و در نهایت شیوه‌های مدیریت هیجان‌های منفی را آموزش می‌دهند. در همین راستا، لیبل^۲ (۲۰۰۴) نیز ضعف کودکان در درک و تنظیم هیجانی را ناشی از کاهش گفت‌وگو خانواده در زمینه تجارب هیجانی کودک دانسته است. یافته پژوهشی دیگر بخش این است که بر خلاف گروه کودکان دارای پدر، عقاید مربوط به پذیرش نیز پیش‌بین مثبت و معناداری برای تغییرپذیری کودکان فاقد پدر است. منظور از بعد عقاید پذیرش کودک در فراهیجان مادر، حساسیت‌های مادر، دست‌چاچی مادر و احساس ضعف وی در شرایطی است که کودک اش با شرایط منفی و استرس‌زا مواجه می‌شود. باید گفت در خانواده‌های فاقد پدر، مادر به دلیل جبران خلأ عاطفی ناشی از فقدان پدر، نسبت به کودک خود، بیش از حد حمایت‌کننده و حساس می‌شود، همین حمایت و پذیرش بیش از حد مادر به افزایش تغییرپذیری و عدم کنترل هیجانی کودکان فاقد پدر منجر شود.

1. emotional conversation (emotional talk)

2. Laible



در کل باید گفت در پژوهش حاضر تفاوت چندانی در زمینه نقش باورهای مربوط به هدایت‌گری مادر (از ابعاد فراهیجان مادر) و خودمدیریتی (از ابعاد خودکارآمدی مادران) در تنظیم هیجانی کودکان دارا و فاقد پدر مشاهده نشد، اما در گروه فاقد پدر، خودمدیریتی مادر نمی‌تواند به تنظیم هیجانی کودک منجر شود، همچنین عقاید پذیرش مادر (از ابعاد فراهیجان مادر) به افزایش دشواری‌های کودک در کنترل هیجان و تغییرپذیری هیجانی منجر می‌شود. لذا به نظر می‌رسد در خانواده‌های فاقد پدر، به دلیل درگیری مادر در زمینه تأمین مخارج زندگی (در پژوهش حاضر ۴۲ درصد از مادران، به تنهایی وظیفه تأمین مخارج را بر عهده داشتند)، امکان صرف وقت و اتخاذ تدابیر مناسب برای رشد تنظیم‌هیجانی کودک میسر نباشد، لذا این احتمال می‌رود که کودکان فاقد پدر با مشکلاتی در زمینه درک و مدیریت هیجان مواجه شوند. بر اساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان با تقویت متغیرهای خودکارآمدی و فراهیجان در مادران به شکل‌گیری مناسب‌تر تنظیم هیجان در کودکان کمک کرد. همچنین با توجه به دشواری‌هایی که کودکان فاقد پدر در تنظیم هیجانی با آن‌ها مواجه‌اند، لازم است مؤسسات و نهادهای حمایتی در قالب انجیوها برای کمک به مادران فاقد همسر تدارک دیده شود. یکی از تلویحات مهم کاربردی این پژوهش؛ نقش مهمی است که هدایت‌گری مادر در تنظیم هیجانی کودک ایفا می‌کند، لذا گسترش و تقویت فرهنگ گفتگوهای هیجانی در بافت خانواده، به‌وسیله رسانه‌های ارتباط جمعی از جمله رادیو و تلویزیون و سازمان‌های آموزشی مانند آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و دبستانی، می‌تواند بستر ساز افزایش مهارت‌های تنظیم هیجانی و کاهش دشواری‌های هیجانی در سال‌های نوجوانی شود. شایان ذکر است که یکی از محدودیت‌ها، نداشتن امکان انتخاب نمونه تصادفی برای گروه کودکان فاقد پدر بود. همچنین سایر متغیرهای مداخله‌گر مانند جنسیت کودک کنترل نشده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با استفاده از شیوه‌های پژوهش مداخله‌ای و کیفی مکانیزم‌های دقیق اثرگذاری مادر بر فرایند تنظیم هیجانی کودکان بررسی شود، همچنین به فاکتورهای محیطی مانند بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی/اقتصادی در گروه کودکان فاقد پدر توجه بیشتری شود.

منابع

- پارسایی، عین‌اله و فولادچنگ، محبوبه (۱۳۸۹). بررسی روایی و پایایی مقیاس دیدگاه فراهیجانی والدین در ایران. اولین همایش کشوری دانشجویی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت. تهران، ۲۱ و ۲۲ مهرماه.
- رضایی، علی محمد، رحیمی، معصومه، واعظفر، سید سعید و دلاور، علی (۱۳۹۳). بررسی ساختار عاملی مقیاس خودکارآمدی مادران. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، سال نهم، ۲۸: ۱۰۶-۸۵.

- Aldao, A., Nolen-Hoeksema, S. and Schweizer, S. (2010). Emotion-regulation strategies across psychopathology: A meta-analytic review. [Meta-Analysis]. *Clin Psychol Rev*, 30(2): 217-237.
- Bandura, A., Barbaranelli, C., Caprara, G. V. and Pastorelli, C. (2001). Self-efficacy beliefs as shapers of children's aspirations and career trajectories. *Child development*, 72(1): 187-206.
- Brajša-Žganec, A. (2012). What do we know about the meta-emotions of parents: what feelings and attitudes about their own and children emotions have fathers and mothers of preschool children? Paper presented at the 20. godišnja konferencija hrvatskih psihologa.
- Brajša-Žganec, A. (2014). Emotional Life of the Family: Parental Meta-Emotions, Children's Temperament and Internalizing and Externalizing Problems. *Društvena istraživanja-Časopis za opća društvena pitanja*(1): 25-45.
- Brophy-Herb, H. E., Zajicek-Farber, M. L., Bocknek, E. L., McKelvey, L. M. and Stansbury, K. (2013). Longitudinal connections of maternal supportiveness and early emotion regulation to children's school readiness in low-income families. *Journal of the Society for Social Work and Research*, 4(1): 2-19.
- Chen, F. M., Lin, H. S. and Li, C. H. (2012). The role of emotion in parent-child relationships: Children's emotionality, maternal meta-emotion and children's attachment security. *Journal of Child and Family Studies*, 21(3): 403-410.
- Cole, P. M., Hall, S. E. and Hajal, N. (2008). Emotion dysregulation as a risk factor for psychopathology. *Child and adolescent psychopathology*, 2: 341-373.
- Coleman, P.K., Karraker, K.H. (2003). Maternal Self-efficacy Beliefs, Competence in Parenting and Toddler's Behavior and Developmental Status, *Infant Mental Health*, 24: 126-148.
- Daga, S. S., Raval, V. V. and Raj, S. P. (2015). Maternal meta-emotion and child socio-emotional functioning in immigrant Indian and White American families. *Asian American Journal of Psychology*, 6(3): 233.
- Dillon, D. G., Deveney, C. M. and Pizzagalli, D. A. (2011). From basic processes to real-world problems: how research on emotion and emotion regulation can



- inform understanding of psychopathology and vice versa. *Emotion Review*, 3(1): 74-82.
- Dunsmore, J. C., Booker, J. A. and Ollendick, T. H. (2013). Parental emotion coaching and child emotion regulation as protective factors for children with oppositional defiant disorder. *Social Development*, 22(3): 444-466.
- Ellis, B. H., Alisic, E., Reiss, A., Dishion, T. and Fisher, P. A. (2014). Emotion regulation among preschoolers on a continuum of risk: The role of maternal emotion coaching. *Journal of Child and Family Studies*, 23(6): 965-974.
- Evelyn-Kehoe, C. E. (2006). *Parents' Meta-emotion Philosophy, Emotional Intelligence and Relationship to Adolescent Emotional Intelligence: Faculty of Life and Social Sciences*, Swinburne University of Technology.
- Gottman, J. M., Katz, L. F. and Hooven, C. (1996). Parental meta-emotion philosophy and the emotional life of families: Theoretical models and preliminary data. *Journal of Family Psychology*, 10(3): 243.
- Gülden, U. B., Rengin, Z. and Melike, A. (2010). Berkeley parenting self-efficacy scale- second grade version: Reliability-validity studies among Turkish families. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2: 2166-2170.
- Holloway, S. D., Suzuki, S., Yamamoto, Y. and Behrens, K. Y. (2005). Parenting self-efficacy among Japanese mothers. *Journal of comparative family studies*, 61-76.
- Hurrell, K. E., Houwing, F. L. and Hudson, J. L. (2016). Parental Meta-Emotion Philosophy and Emotion Coaching in Families of Children and Adolescents with an Anxiety Disorder. [Journal article]. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 1-14.
- Hurt, E. A., Hoza, B. and Pelham, W. E. (2007). Parenting, family loneliness and peer functioning in boys with attention-deficit/hyperactivity disorder. *Journal of Abnormal Child Psychology*; 35:543-555.
- Jones, T.L. (2006). Examining Potential Determinants of Parental Self-efficacy, University of South Carolina.
- Katz, L. F. and Windecker-Nelson, B. (2004). Parental meta-emotion philosophy in families with conduct-problem children: Links with peer relations. *Journal of abnormal child psychology*, 32(4): 385-398.
- Kim-Spoon, J., Cicchetti, D. and Rogosch, F. A. (2013). A longitudinal study of emotion regulation, emotion lability-negativity and internalizing symptomatology in maltreated and nonmaltreated children. *Child development*, 84(2): 512-527.
- Laible, D. (2004). Mother-child discourse in two contexts: Links with child temperament, attachment security and socioemotional competence. *Developmental Psychology*, 40: 979-992.
- Lamb, M. (2004). *The role of the father in child development*. 4th ed. Wiley, Chichester.
- Molina, P., Nives Sala, M., Zappulla, C., Bonfigliuoli, C., Cavioni, V, Assunta Zanetti, M., Baiocco, R., Laghi, R., Pallini, S., De Stasio, S., Raccanello, D. and

- Cicchetti, D. (2014). The Emotion Regulation Checklist – Italian translation. Validation of parent and teacher versions, *European Journal of Developmental Psychology*, 11(5): 624-634.
- Morris, A. S., Morris, M. D. S., Silk, J., Steinberg, L., Aucoin, K. J. and Keyes, A. W. (2011). The influence of mother-child emotion regulation strategies on children's expression of anger and sadness. *Developmental Psychology*, 47: 213–225.
- Morris, A. S., Silk, J. S., Steinberg, L., Myers, S. S. and Robinson, L. R. (2007). The role of the family context in the development of emotion regulation. *Social Development*, 16: 361–88.
- Parke, R. D., McDowell, D. J., Kim, M., Killian, C., Dennis, J., Flyr, M. R. and Wild, M. N. (2002). Fathers' contributions to children's peer relationships. In C. S. Tamis LeMonda and N. Cabrera (Eds.), *Handbook of father involvement: Interdisciplinary perspectives* (pp. 141–167). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Parsaie, A. and Foadchagh, M. (2010) The Validity and Reliability of Paradigm's Perspective in Iran. *First Student Country Conference Social Health Effects*, Tehran, 13 and 14 Octobr(Text In Persian).
- Pennella, C., Whit tinghamb, K., Boydb, B., Sandersc, M. andColditzd, P. (2012). Prematurity parental self-efficacy: The Preterm Parenting and Self-Efficacy Checklist. *Infant Behavior and Development*, 35: 678– 688.
- Perry, N. B., Calkins, S. D., Nelson, J. A., Leerkes, E. M. and Marcovitch, S. (2012). Mothers' responses to children's negative emotions and child emotion regulation: The moderating role of vagal suppression. *Developmental psychobiology*, 54(5): 503-513.
- Ramsden, S. R. and Hubbard, J. A. (2002). Family expressiveness and parental emotion coaching: Their role in children's emotion regulation and aggression. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 30: 657–667.
- Reese, E., Bird, A. and Tripp, G. (2007). Children's self-esteem and moral self: Links to parent-child conversations. *Social Development*, 16: 460–478.
- Rezaie, A. M., Rahimi, M., Vaezfar, S. and Delavar, A. (2014). Investigating the Factor Structure of Mothers' Self-Efficacy Scale. *Cultural-Educational Quarterly of Women and Family*, 9 (28): 85-106(text In Persian).
- Rosenfield, S. (1989). The effects of women's employment: Personal control and sex differences in mental health. *Journal of Health and Social Behavior*, 77-91.
- Salo, S., Kivistö, K., Korja, R., Biringen, Z., Tupola, S., Kahila, H., Kivitie-Kallio, S. (2009). Emotional Availability, Parental Self-Efficacy Beliefs and Child Development in Caregiver-Child Relationships with Buprenorphine-Exposed 3-year-olds, *Parenting*, 9(3): 244-259.
- Shields, A. and Cicchetti, D. (1998). Reactive aggression among maltreated children: The contributions of attention and emotion dysregulation. *Journal of Clinical Child Psychology*, 27: 381 – 395.
- Shipman, K., Zeman, J., Fitzgerald, M. and Swisher, L. M. (2003). Regulating emotion in parent-child and peer relationships: A comparison of sexually



- maltreated and non-maltreated girls. *Child Maltreatment*, 8: 163-172.
- Shumow, L. and Lomax, R. (2002). Parental efficacy: Predictor of parenting behavior and adolescent outcomes. *Parenting: Science and Practice*, 2(2): 127-150.
- Sroufe, L. A. (2000). Early relationships and the development of children. *Infant Mental Health Journal*, 21(1-2): 67-74.
- Uyanikbalat, G., Zembet, R. and Acer, M. (2010). Berkeley parenting self- efficacy scale-second grade version: Reliability-validity studies among Turkish families. *Procedia-Social and Behavioral science*, 2(2): 2166-2170.
- Weaver, C. M., Shaw, D. S., Dishion, T. J. and Wilson, M. N. (2008). Parenting self-efficacy and problem behavior in children at high risk for early conduct problems: The mediating role of maternal depression. *Infant Behavior and Development*, 31(4): 594-605.
- Young, M., Karraker, K. H. and Cottrell, L. E. (2006). Parenting self- efficacy and satisfaction with parenting: Relations with maternal well-being. *Poster presented at the International Conference on Infant Studies*, Kyoto, Japan.





The role of maternal self-efficacy and meta-emotion in Emotion regulation of Children living with both parents vs. living with single mothers

Zahra. Sheikh Attar*, Farideh Sadat Hosseini**
and Seyed Mosa Golestane***

Abstract

The aim of this study was to understand the role of maternal meta-emotion and self-efficacy in emotion regulation of children who live with both parents vs. those who live with their mothers only. 200 students (from second to fifth grades) and their mothers were randomly selected from the same geographical district in Shiraz. Half of the children lived with both parents whereas, the other half lived with their mothers only. Each group was given a test, consisting of the Emotion Control Checklist, Parental Self-Efficacy and Parents' Meta-Emotion Philosophy Scales. The results show: (a) from all attributes of self-efficacy, mother's self-management skill has statistically significant positive correlation with emotion regulation in children who live with both parents; (b) mother's self-efficacy has no significant correlation with emotion regulation in children who lived with their mothers only and (c) mother's self-management skill has negative significant correlation with the children's willingness to change, regardless of their family type. And moreover, (d) self-coaching beliefs (one of the many attributes of maternal meta emotions) have significant positive correlation with emotion regulation in all children, regardless of their family type, (e) self-coaching

* M.A student of psychology of Persian Gulf University, Bushehr, Iran

.** Assistant Professor of Psychology of Persian Gulf University, Bushehr, Iran

*** Assistant Professor of Psychology of Persian Gulf University, Bushehr, Iran

Submit Date: 2016-11-19

Accept Date: 2017-07-05

DOI: 10.22051/jwfs.2017.12736.1291



beliefs have positive significant correlation with the children's willingness to change in children who lived with both parents and (f) self-coaching beliefs have significant negative correlation and acceptance beliefs have positive significant correlation with the children's willingness to change in children who lived with their mothers only. The results of this study demonstrate the importance of mother's parental attributes such as self-efficacy and meta emotion in the formation of emotion regulation in children.

key words:

Maternal self-efficacy, Maternal meta-emotion, Emotion regulation, Fatherlessness children.

